

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان، آگست ۱۹۹۳م

ماتمسرای کابل

هنگامیکه جنگهای تنظیمی در شهر زیبای کابل محشر کبری برپا کرده بود، سروده شده است.

کابل نه آن بهشت برین و معطر است
کابل نه آن عروس به حجلت نشسته است
کابل نه آشیانه مرغان خوش نواست
کابل مقام وحشت دیوانگان عصر
کابل ز دست دوزخیان فرییکار
کابل چو شمع سوخته خوابیده روی اشک
کابل به آتش ستم قرن شعله ور
کابل به زیر سُم ستوران روزگار
کابل که خوانده صائبش عشرتسرا، کنون
مردم عذاب روز قیامت همی گشتند
دزدان قرن، ملک به تاراج برده اند
آن یک به گشت و خون ضعیفان پلنگ وار
مینائی آسمان کبودش خدای من
کابل نه قطره آب میان گل تراست
کابل نه آن عقیقه پاک و معطر است
کابل نه آن ستاره گیسو معنبر است
کابل بساط جنگ و جدال مکرر است
یک پاره آتش به جهنم برابر است
کابل سپند ریخته در روی مجمر است
کابل به خون خویش غریق و شناور است
خاکستری فتاده به طوفان محشر است
ماتمسراست بلکه ازان نیز بدتر است
اهریمنی به هر در و برزن مقرر است
این شهر را ببین که نه دروازه، نه در است
این یک به قتل عام شجیع ودلاور است
از دود بمب و راکت و مرمی مکرر است

در ملک ما «اسیر» ز بس پا و سر نماند

گوئیم حرف حق، نه غم پا و نی سر اشت